



■ دکتر محمدعلی نجفی توانا

وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز

الزامات تحول در نهاد قضا

نظام قضایی کشور قلب تپنده عدالت و ضامن نظم اداری، سیاسی و اجتماعی در یک جامعه است. بالتبع برای ایفای این وظیفه، نظام قضایی باید از منظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یعنی دارا بودن شرایط لازم از جهت قوانین حاکم، کارکنان کافی، تخصص و نظارت بر اجرای امور و همکاری و هماهنگی سایر قوا بسترهای مناسب را داشته باشد. این در حالی است که کشور ما در این خصوص از شرایط حساس تری برخوردار است؛ زیرا تعدد تفاوت دیدگاه‌های فقهی، وجود پیشینه و سابقه تقنین قضایی متفاوت در گذشته، تغییر مشی و روش مدیریتی در طول ۴ دوره اداره قوه قضاییه همه و همه حساسیت ویژه‌ای به عملکرد قوه قضاییه می‌بخشد.

ضمن آن‌که تغییر سیاست تقنینی به ویژه در بعد کیفری به خاطر تعهدات مربوط به اسناد بین‌المللی و نیز ضرورت رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی، اجرای مفاد قانون اساسی و وقوع جرایم جدید ناشی از استفاده فناوری به ویژه در فضای مجازی، جرایم پیشرفته الکترونیکی و غیره دیدگاه جناحی در عرصه نظام تقنینی، اجرایی و قضایی، سلامت دستگاه پاسدار عدالت را دچار چالش‌ها و معضلات متعددی می‌کند. با عنایت به این موارد، بی‌گمان مدیریت و هدایت سکان قوه قضاییه آسان نخواهد بود. بالتبع در تطبیق با اصول نوین مدیریت الزاماً برای پذیرش مسئولیت این نهاد باید سازوکارهای لازم را فراهم آورد.

امروز دیگر مدیریت رفتارهای افراد و رسیدگی به اختلافات آنان، حمایت از حقوق آزادی‌های مردم، برخورد با فشارها و مشکلات بیرونی و درونی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ابزارهای گذشته و سنتی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر جلب رضایت مردم مستلزم قوانین، کارکنان، تخصص، تجهیزات و تشکیلات مدرن و مدیران کارآمد است. در غیر این صورت به طور قطع باید بدانیم که با توجه به طبیعت خواست‌های مردم و مطالبات قضایی از یک طرف و لزوم حاکمیت بهداشت قضایی در کشور از جهت دیگر، تلاش برای اصلاح و سالم‌سازی رفتارها و پیشگیری از وقوع جرم، همراه با توفیق نخواهد بود.

مسلم است که جامعه قضایی کشور شاهد تلاش‌ها و پیگیری‌های مسئولان قوه قضاییه در زمینه استقرار کارکنان قضایی است. شاهدیم که مسئولان قوه در مورد مسایل و موضوعات از خود حساسیت به خرج داده و اعمال مدیریت می‌کنند اما به نظر می‌رسد پاشنه آشیل نظام مدیریت قضایی ما احتمالاً می‌تواند این باشد که متولیان، خود را منحصر به روش‌ها و ابزارها و تعاریف سنتی نکنند. برای اجرای وظیفه سنگین اجرای عدالت باید آینده‌نگری داشت. باید برای انجام تغییراتی آماده شد که سرعت وقوع آن‌ها همانند سرعت گردش دانش به حدی است که بر روابط اجتماعی به شدت اثرگذار خواهد بود. باید اموری که احیاناً مغفول مانده، به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد و آسیب‌شناسی مشکلات سال‌های گذشته به سرعت انجام شود. ناکامی‌ها، افزایش اختلافات، دگرگونی رفتارهای جزایی و جنایی، سازوکارهای توانمندی و قابل انطباق با واقعیت‌های داخلی و خارجی، پذیرش عینیت‌ها و واقعیت‌ها و دوری از ذهنیت‌گرایی و خلاصه روزآمد کردن سازوکارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تنها راه حل رفع مشکلات و مسایل موجود در نظام قضایی است.

در این میان به طور قطع جلب مشارکت‌های مردمی، تقویت نهادهای غیردولتی و حمایت از کاهش تصدی‌گری قوه قضاییه و جلب مشارکت بخش خصوصی در خصوص بسیاری از وظایف مربوط به تصدی‌گری قوه قضاییه، عدم تمرکز و قبول استقلال نهادهای مؤثر مانند نهاد وکالت در انتقال بخش مهمی از مسئولیت‌ها به این نهادها به طور قطع می‌تواند به مدیریت قوه قضاییه مدد برساند و سازوکار لازم را فراهم نماید.

است، حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی و رئیس شورای حل اختلاف، در سخنان خود بارها بر این امر تأکید داشته‌اند که شورای حل اختلاف باید به هدف اصلی خود که همان صلح و سازش است بازگردد. این رویکرد و جاری شدن آن در ساختار شورای حل اختلاف و بازگشت شورای حل اختلاف به رسالت اصلی خود و کم شدن صلاحیت‌های رأیی و تمرکز توان و انرژی نیروهای شورای حل اختلاف بر صلح و سازش، برکات زیادی از جمله کم شدن اطاله دادرسی، کمک به رسیدگی‌های تخصصی‌تر با سپردن دادرسی به قضات، کم شدن جمعیت کیفری زندان‌ها و... خواهد داشت که هرکدام از این موارد از چالش‌های مهم قوه قضاییه می‌باشد. در برخی موارد آثار این تغییر نگرش تا حدودی خود را نشان داده است که از جمله می‌توان به افزایش نزدیک به ۱۷ درصدی تعداد زندانیان آزاد شده توسط شورای حل اختلاف ویژه زندان اشاره کرد که این نوید را می‌دهد که در صورت تداوم این نگرش در شورای حل اختلاف، تحولی بزرگ رخ خواهد داد.

البته این تغییر نگرش باید با در نظر گرفتن توان و ظرفیت شوراهای صلح و سازش در فرهنگ جامعه، پشتوانه‌سازی شود تا منجر به احساس عدم عدالت و طرفداری از متهم نشود که این احساس در بلندمدت می‌تواند منجر به آسیب‌هایی مانند بیشتر شدن آمار سیاه جرم و شکل‌گیری چرخه انتقام‌گیری و... شود.

در انتها به نظر می‌رسد که این تغییر نگرش، بسیار ارزشمند است که در صورت تداوم و با متمرکز کردن توان نیروهای شورای حل اختلاف بر صلح و سازش، تحولی بزرگ در قوه قضاییه رخ خواهد داد که بر روی بسیاری از چالش‌های این قوه از جمله اطاله دادرسی و جمعیت کیفری تأثیر مثبت خواهد گذاشت. در این راستا قوه قضاییه می‌تواند با به جریان انداختن هم‌زمان پرونده در محاکم و شورای حل اختلاف و استفاده بیشتر از ظرفیت بستگان و بزرگان خانواده‌ها در امر صلح و سازش، که سابقه چند هزار ساله در فرهنگ اسلامی و ایرانی دارد به نحوی که حتی در برخی دوره‌های تاریخی بزرگ‌خاندان صلاحیت حکم کردن در مسائل درون خانوادگی را داشته است، سرعت این تحول را بیشتر کند.